

۱۶ زندگی ایران

گردشگری

کشتی تفریحی وطنی بوشهری‌ها

بحث گردشگری دریایی چند سالی می‌شود در کشورمان مطرح شده و هر بار متولیان گردشگری یکی از سواحل شمالی یا جنوبی از تلاش و برنامه‌ریزی برای راه‌اندازی این نوع گردشگری سخن به میان می‌آیند. حتی بارها موضوع خرید کشتی‌های تفریحی و استقرار آنها در آب‌های شمال و جنوب مطرح شد که البته به دلایل نامعلوم ظاهراً به سرانجام دلخواه نرسید و به قولی عاقبتش آنچنان که باید ختم به خیر نشد.

به عبارتی کشتی گردشگری دریایی هیچ‌گاه آب‌های کشورمان را نشکافت و این بخش مغفول را به رونق نرساند.

حالا انگار هنرمندان جنوبی خود دست به کار شده‌اند تا کشتی توریستی-تفریحی بسازند و آن را به آب‌هایشان ببندازند. این را سکنیه سالاری، معاون گردشگری و سرمایه‌گذاری بوشهر گفته و در توضیح بیشترش افزوده: این کشتی با اعتباری بالغ بر ۷۰ میلیارد ریال توسط سرمایه‌گذار بخش خصوصی در حال ساخت است که بخشی از اعتبار این پروژه از طریق تسهیلات تأمین خواهد شد.

سالاری گفته با توجه به ظرفیت ۲۸۰ نفری این کشتی و بخش بزرگ سرو غذا و رستوران، می‌تواند یک زیرساخت مناسب برای توسعه گردشگری دریایی بوشهر باشد.

معاون گردشگری و سرمایه‌گذاری بوشهر می‌گوید: مراحل قالب‌گیری از دی‌ماه ۹۸ آغاز شده و امیدواریم تا پایان سال جاری به بهره‌برداری برسد. البته فقط بحث رونق گردشگری دریایی نیست، بحث همیشه مهم اشتغال‌زایی هم هست چراکه با راه‌اندازی و شروع به‌کار این کشتی برای ۱۳ نفر در قالب خدمه و آشپز به‌طور مستقیم موقعیت شغلی ایجاد خواهد شد / جام جم دیلی



خانهٔتاریخی نائل اصفهان چندسال پیش توسط افراد ناشناس به‌طور کامل تخریب شد

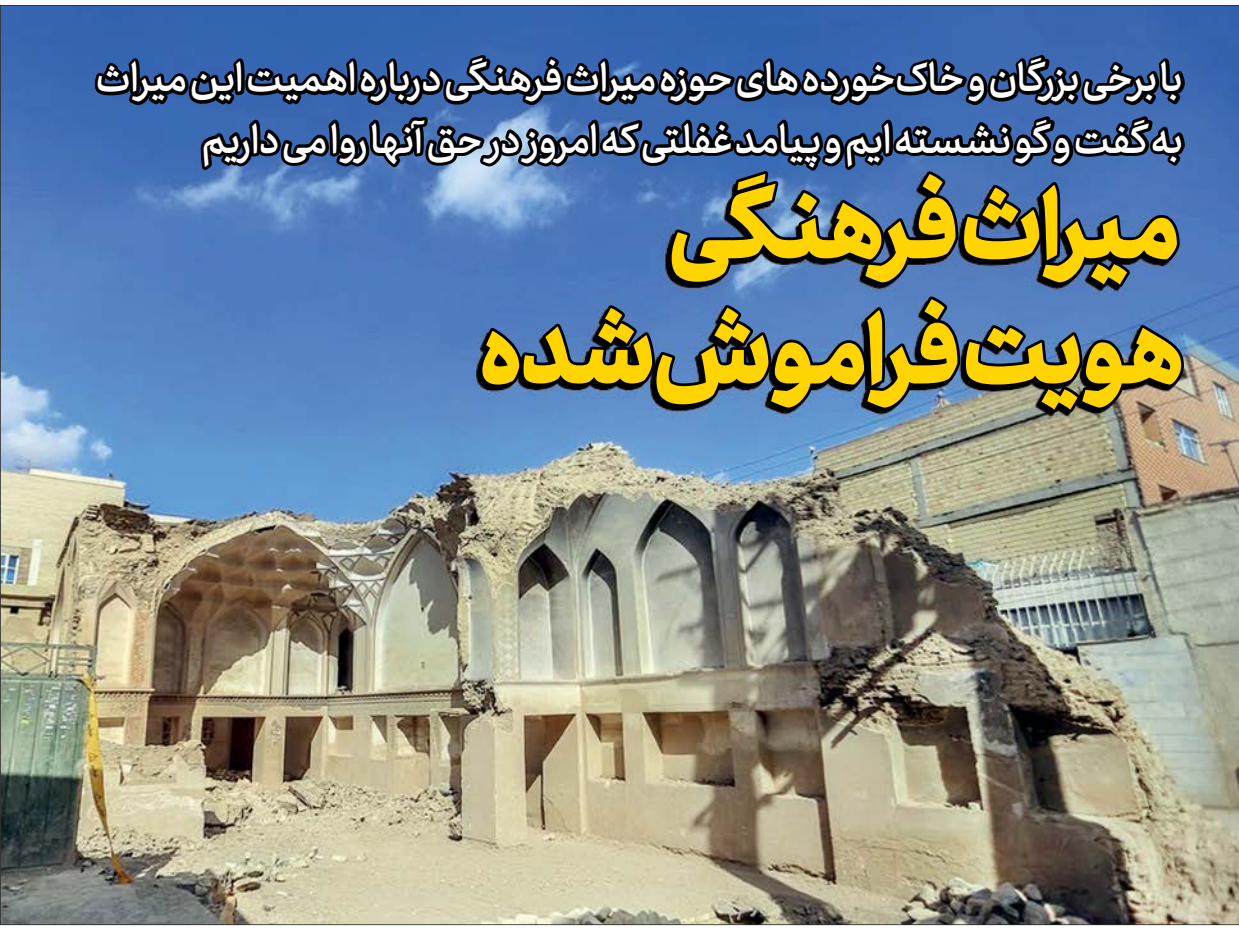
عکس:

ایرنا

گردشگری و همکاری ۲۵ ساله ایران و چین

این روزها صحبت از همکاری ۲۵ ساله ایران و چین است و یک متن ۱۸ صفحه‌ای با عنوان «ویرایش نهایی همکاری ۲۵ ساله ایران و چین» هم در این زمینه ظاهراً از سوی وزارت خارجه منتشر شده. در این تفاهم‌نامه صنعت گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع دستی هم مورد توجه قرار گرفته است. بند چهارم این تفاهم‌نامه

مربوط به همکاری های گردشگری است که در ضمیمه شماره یک آن به مبحث تشویق سرمایه‌گذاری و توسعه منابع و زیرساخت‌های گردشگری با تاکید اشاره شده. در ضمیمه شماره۲ به توسعه سواحل مکران و مشارکت در ساخت شهرهای گردشگری اشاره شده است. همچنین به همکاری در زمینه گردشگری و میراث



«آثار باستانی و میراث فرهنگی، شناسنامه ملی و هویت مردم ایران است و باید برای حفاظت و انتقال آن به نسل‌های آینده کوشید»؛ این جمله‌ای است که گاه و بیگاه از زبان مسؤولان میراثی و غیرمیراثی و دلسوزان فرهنگی کشور می‌شنویم، درعین حال روزی نیست که از گوشه و کنار کشور خبری درباب تخریب یک اثر تاریخی نشنویم؛ تخریب‌هایی که سر رشته آن یا به عوامل انسانی برمی‌گردد، یا طبیعی، فرقی هم نمی‌کند، چه اینکه در هر دو حال نشان از نبود معرفت و آگاهی در میان برخی مردم نسبت به ارزش این میراث و بعضاً بی‌توجهی متولیان و برنامه‌ریزان به میراث ملی و هویت تاریخی مردمان این سرزمین دارد.

میراث فرهنگی فقط جنبه هویت بخشی به این سرزمین را ندارد؛ امروزه کشورهای پیشرفته دنیا از همین میراث چرخ‌های اقتصادی خود را می‌چرخانند؛ میراثی که البته در بسیاری موارد گردش هم به تاریخ و قدمت داشته‌های باستانی سرزمین ما نامی رسد. درواقع در دنیای امروز میراث فرهنگی جزئی از صنعت درآمدزای گردشگری است که می‌تواند در کنار جاذبه‌های طبیعی، گردشگران علاقه‌مند از سراسر جهان را به سوی خود جذب کند و برای کشور مقصد درآمد‌های ارزنی به ارمغان بیاورد، چنان‌که برخی کشورها امروز تنها به یم چرخش چرخ‌های ماشین گردشگری خود برقرارند و ادامه حیات می‌دهند. این ظرفیت عظیم اما در ایران ما گویا همچنان مورد غفلت است که اگر اینچنین نبود شاید شاهد این حجم از تخریب و ویرانی و بی‌توجهی به این گنجینه‌های ارزشمند نبودیم. امروز و در این صفحه به جای ذکر نمونه‌ها و مصداق‌های این تخریب‌ها که گزارش آنها روالی عادی درمطبوعات شده، سراغ بزرگان و اساتیدی رفته‌ایم که به قول معروف خاک این صحنه را خورده‌اند و موی خود را در میدان میراث فرهنگی ایران زمین سپید کرده‌اند، رفته‌ایم و پای صحبت‌های دلسوزانه‌شان نشسته‌ایم و برای شما هم نقل می‌کنیم شاید دیده و شنیده شده و مرهمی شود بر زخم‌های بی‌شمار هویت ملی فرهنگی ایران مان.

مریم ایابی

ایران

خودآگاهی رمز پایداری فرهنگی

دکتر حکمتا... ملاصالحی:



خودآگاهی تاریخی یعنی این‌که به چنان پختگی عمیق اندیشه و آگاهی تاریخی دست یافته باشی که پیرسی، بکاوی، بجویی، بیایی، بشناسی، بدانی و بفهمی در کجای تاریخ ایستاده‌ای و نسبتت با تاریخ و فرهنگ

خودت و دیگر ملت‌ها چگونه است و از سرچشمه‌های کدام سنت و میراثی

برآمده و بالیده؟ در درون کدام سنت و میراث و عقیده و اندیشه و ارزش‌ها

اینک تنفس و زندگی می‌کنی و ویراستار چگونه جهانی هستی، نه فرهنگ بدون

میراث قابل تصور است و نه میراث فرهنگی بدون فرهنگ در ذهن می‌تواند

نگاه‌مان باید تغییر کند

دکتر سیاوش صابری:



مهم‌ترین مشکل امروز میراث فرهنگی ما تخریب‌های پیاپی آنهاست. اما نکته اینجااست که برای فهم چرایی این تخریب‌ها و برای حفظ میراث فرهنگی نباید سراغ تخریب آثار رفت، بلکه باید سراغ تخریب منابع انسانی رفت واین‌که بر سر ذهنیت اهالی متعهد به فرهنگ چه‌آمده‌است؟ مساله اینجااست که ما همیشه نگاه مبتذلی به کسب درآمد از فرهنگ داشته‌ایم. قیمت حامل‌های انرژی، نیروی انسانی و هزینه‌هاستختان را محاسبه کرده و به‌عنوان عوارض از بازیدیکندگان موزه مبلغی دریافت می‌کنیم. شاید این در مورد جاده و راه جواب بدهد، اما در مورد فرهنگ، بخشی از هزینه دریافتی باید صرف آموزش شود، برای این‌که جامعه هویت خودش را بشناسد. از سویی توجه به این نکته هم مهم است که ما هیچ‌وقت به این موضوع فکر نکردیم که شاید اگر درست هزینه کنیم حوزه میراث فرهنگی خیلی هم درآمدزاست و اگر این کار نمی‌شود نشان از عدم برنامه‌ریزی علمی دارد. از طرف دیگر تصمیم هم نگرفتیم که آیا باید آثار تاریخی را تغییر کاربری بدهیم یا خیر. متأسفانه طی چند دهه اخیر توفیق زیادی در نابودی طبیعت و محیط‌زیست و میراث فرهنگی‌مان داشته‌ایم و اگر توسعه و آبادانی هم بوده، مقطعی و گذرا بوده‌است. انتظاری هم نیست، چراکه دغدغه و آموزشی در کار نبوده و نیست. اصلاً شما بگویید چقدر پدران و مادران ما درباره حفظ محیط‌زیست یا میراث فرهنگی با فرزندانشان صحبت می‌کنند؟ چقدر از گفت‌وگوهای خانواده به اصل و معنای هویت تاریخی فرهنگی‌مان اختصاص دارد و آیا همان قدر که تحلیل سیاسی رویدادها در خانواده‌های ایرانی رایج است، موضوعات فرهنگی و زیست‌محیطی هم مهم هست؟ پاسخ روشن است، این‌گونه نیست، که اگر بود نتیجه غیر از این بود که اکنون شاهدش هستیم. اصلاً چرا ما فشار افکار عمومی بابت حفاظت از بناهای تاریخی نداریم؟ فشار برای تحقق یا ممانعت از وقوع یک حادثه زمانی رخ می‌دهد که با فهم و علمی نسبت به اهمیت آن وجود دارد و یا بحث نیاز در کار است مثل تشنگی و نیاز به آب. درخصوص مقوله فرهنگ و هویت ما احساس تشنگی و نیاز نداریم، بنابراین چیزی هم نمی‌گوییم.

ایجاد حساسیت نسبت به مقولات فرهنگی کار یک سال و دو سال نیست.

میراث فرهنگی نیازمند یک تیم صدکننده قوی است، تیمی از مسؤولان و

کارشناسان و مردم. مردم خودشان باید برای حفاظت از میراث فرهنگی و

تاریخی‌شان پیشقدم شوند و بدانند که دولت‌ها کاری برای آنها انجام نمی‌دهند.

باید بدانند دور از عقل و خرد است که ثروت و میراث‌شان را برای حفاظت به

دولت‌ها بسپارند.

تداعی شود و بگنجد. اصلاً بدون تفکر و تعقل و تخیل و خلاقیت و معرفت که

نمی‌توان از تاریخ، فرهنگ و میراث فرهنگی و معنوی سخن گفت و صیانت

کرد. ما و میراث ما و تاریخ و فرهنگ و نظام‌های فکری و اعتقادی و ارزشی ما

اینک در برابر یک چالش و کشمکش عظیم و تناقض آشکار تاریخی قرار گرفته

است. فرهنگ‌ها به میراث‌شان زنده‌اند، به ریشه‌هایشان. جغرافیای سیاسی

امروز میهن ما چونان جغرافیای سیاسی یونان، ایتالیا و هند هسته‌ای است

به‌جامانده از یک منظومه عظیم فرهنگی، مدنی و معنوی. صیانت از اقتدار

و انسجام و یکپارچگی این هسته به‌جامانده از آن منظومه عظیم فرهنگی و

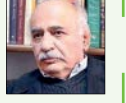
میراث مشترک، هم هوشمندی و حکمت و تدبیر می‌طلبد، هم دقت و درایت و

مراقبت و خودآگاهی تاریخی، هم ردیابی و رصد دقیق و تحلیل درست تحولاتی

که در درون و بیرون مرزهای ما و جهان ما اتفاق می‌افتد.

دیگران قدر میراث ما را بهتر می‌دانند

دکتر ناصر تکمیل‌همایون



حفاظت از میراث فرهنگی، حفاظت از گنجینه

بی‌بدیل و هویت یک سرزمین است. اگر

استعمارگران اقتصادی نفت را می‌برند،

استعمارگران فرهنگی، میراث فرهنگی یک ملت

را به یغما می‌برند. اما درد چپاول یا خسارت فرهنگی را دولت‌ها و مردم

نسبت به خسارات اقتصادی دیرتر احساس می‌کنند. آثار تاریخی ما

همواره در طول تاریخ در معرض خطر و نابودی و ویرانی بوده‌است. از

نیروهای مهاجمی چون اسکندر بگير که تخت‌جمشید را به آتش کشید

یا مغول‌ها که ویرانی‌ها به بار آوردند تا ظل السلطان که کمر به نابودی

آثاری در دوران صفویه بست.

الته امیران و وزيران و حاکمان و سردمدارانی هم بودند که از خود

آثاری به یادگار گذاشتند یا دست‌کم در حفظ آثار گذشتگان کوشا

بودند. شاخص‌ترین دوره چه به لحاظ توجه به میراث فرهنگی و

احداث بناهای تاریخی و چه از لحاظ نابودی و به تاراج رفتن گنجینه‌های

فرهنگی، تاریخی، فرهنگی قاجار بوده؛ دوره‌ای که توجه به میراث فرهنگی

و باستان‌شناسی (علم عتیقات) آغاز شد، همان‌طور که تاراج آثار و

میراث فرهنگی صورت گرفت، مثلاً خانم دیولافوآ در کتاب خاطراتش

به صراحت می‌گوید، در کاخ آپادانای شوش چون گاو سنگی بزرگی را که

حدود ۱۲ هزار کیلو وزن داشته، نمی‌توانسته تکان بدهد و به فرانسه

ببرد با تپک‌کنه‌کنه کرده‌است. تاراج مواریت ملی و فرهنگی هم در

قراردادهای رسمی فرهنگی با خارجیان (مانند فرانسه، انگلستان، آمریکا

و...) به چشم می‌خورد و هم به‌صورت غیرمجاز و از طریق قاچاقچیان در

داخل و خارج از کشور، با کمک دولت‌های قاجار و پهلوی یا بدون اطلاع

آنها رایج بوده و امروز هم به شکل دیگری در حراجی‌ها ادامه دارد. برای

مثال کتب بازارش و کمپاب و تک‌نسخه‌ای که توسط دانشمندان ایرانی

به نگارش درآمده چگونه در موزه‌های بریتانیا، کتابخانه ملی پاریس

یا کتابخانه‌های پترزبورگ و آمریکا جای گرفته‌است؟ سکه، سفال‌ها،

جام‌ها، مینیاتوره‌های اصیل ایرانی چگونه زینت‌بخش کتابخانه‌ها و

موزه‌های غرب شده‌است؟ چگونه موزه اورشلیم یا موزه کشورهای

خلیج فارس یا کشورهای اروپایی و آمریکایی از آثار ایرانی پر شده

است؟... اینها نشان‌دهنده آن است که این میراث ارزشمند است

و گنجینه‌ای بی‌بدیل، که بیگانگان به ارزش آن پی برده‌اند و به هر

وسيله‌ای درصدد دستیابی به آن هستند و ما همچنان از آن غافل.

فرهنگی سخن به میان آمده است. در این تفاهمنامه به مرمت و احیای بناها و

بافت‌های تاریخی، تحقیقات باستان شناسی، نمایشگاه آثار فرهنگی، مدیریت موزه

ها و تبادلات دانشگاهی و به اشتراک گذاشتن اطلاعات و برگزاری دوره‌های آموزش و

کارگاهی برای طرح حفاظت میراث فرهنگی آسیایی توصیه شده است. / جام جم دیلی